

دبیرخانه، و مشارکت در نبرد با دروغ

امیرفیض- حقوقدان

پس از انتشار تحریر «منقبتی در نبرد با دروغ» که در تاریخ ۲۵/۱۱/۲۰۱۱ دراز ایمیل جاوید ایران و سایت ۱۴۰۰ سال پخش گردید، دبیرخانه اعلیحضرت حضور خود را در نبرد با دروغ کیهان شریعت مداری بنمایش گذاشت.

نخست جادار از دبیرخانه بمناسبت بیداری سطحی، و ترک غفلت گذشته امتنان داشت و بعد، از آنجا که لزوم نبرد با دروغ بصورت تکلیف در آن تحریر آمده، احساس میکنم که لازم است در نبرد دبیرخانه مشارکتی درحاشیه داشته باشم.

اصول شرکت در نبرد با دروغ

نخستین و عالیترین انگیزه شرکت در نبرد با دروغ، در زمینه های حسن نیست و تعمیم آگاهی اجتماع است بهمین دلیل از آنجا که انتشارات رسانه ای بزرگترین نقش را در اطلاع رسانی جامعه بر عهده دارد لذا قانون گزاران همه کشورها رعایت ادب و اصولی برای انتشار مطالب رسانه ای را مقرر داشته اند و از آنجمله است قانون مطبوعات ایران که در تبصره ذیل ماده سوم همان قانون، مطبوعات و متصدیان آنها را از توسل به توهین، تحقیر و تخریب ممنوع ساخته است _ و در ماده ۲۳ این حق به اشخاص اعم از حقیقی و حقوقی داده شده تا در صورتی که مورد توهین و تحقیر و یا ادعائی خلاف واقع قرار گیرند، میتوانند اعتراض خودشان را ظرف یکماه به همان روزنامه ای که مقدم به توهین و تحقیر او شده است بنمایند و همان قانون هم مدیر روزنامه رابه درج اعتراض ذینفع موظف ساخته است.

شان توجه قانونگذار به پاک و دور بودن نوشته و خبر و غیره از تحقیر و تخریب و توهین بدین جهت است که واژه های مزبور و مانند آنها علائم مشخصه کینه، دشمنی، طینت ناپاک، شرارت، دوری از انسانیت و افتادن در فساد خود بزرگ بینی و حسادت و امثال آنهاست و وجود هریک از آنها نوشته و خبر و آنچه که بر آن واژه ها مستقر گردیده است، معیوب و غیر قابل اعتبار میسازد، اهمیت جامعه به پاک نگهداشتن مطبوعات از بکار گرفتن واژه های ممنوعه در حدی است که استفاده کنندگان آن واژه ها رامستحق مجازات دانسته است.

کیهان تهران در نقل مطلبی، از اعلیحضرت رضاشاه دوم با عنوان < ربع پهلوی > و در جانی رضا پهلوی یاد کرده است. پرواضح است که نیت مدیر روزنامه مزبور توهین و تحقیر و تخریب موقعیت اعلیحضرت است. در حالیکه رویه قضائی دادگستری جمهوری اسلامی و همان روزنامه کیهان تهران خطاب قرار دادن حتی نام و نام فامیل متهمین نیست و از حروف های اول نام آنها استفاده میشود، عمل کیهان مؤید تعدد و قصد تحقیر و توهین و تخریب اعلیحضرت بوده است.

از نظر حقوقی نمیتوان به نوشته ای که با عداوت و کینه و دشمنی و بقصد تخریب و اهانت هر کسی تنظیم شده است جواب داد مگر اینکه در ابتدای جواب و یا تکذیب، موضوع اهانت و تحقیر و تخریب را مطرح ساخت که متأسفانه دبیرخانه چنین نکرده است و در غیر اینصورت یعنی در صورتی که معترض بدون توجه به تحقیر و اهانت و تخریبی که نسبت به او شده، وارد رد موضوع عنوان شده و یا تکذیب، یا دفاع از خود برآید، بطور ضمنی اهانت و تحقیر و تخریبی که مدعی متوجه او نموده تصدیق کرده و در چنین حالی دفاع و رد و تکذیب، از سوی شخصی که خود قبول دارد که مستحق تحقیر و اهانت مدعی است چندان شنیدنی نیست.

رطب خورده منع رطب چون کند

مقصود از طرح موضوع بالا توجه به کلیت موضوع است نه انتظار و توقع از دبیرخانه اعلیحضرت که به اهانت و تحقیری که در کیهان تهران متوجه اعلیحضرت شده است اهمیت میداد. زیرا موضوع مصداق < رطب خورده..... > است دبیرخانه اعلیحضرت که اعلیحضرت را با سبک ترین وزن غیر متداول خطاب قرار داده است آنهم به دشمن شناخته

شده و هراسمند اعلیحضرت، چگونه میتوان متوقع بود که لااقل درمقابل دشمن درراه تحقیر و تخریب اعلیحضرت اقدام نکند.

همین دبیرخانه اعلیحضرت بود که درگذشته از عنوان < اعلیحضرت رضاشاه دوم شهریار ایران > استفاده میکرد چرایی درمقابل دشمن شاهنشاهی ایران از عنوان توهین و تخریب آمیز < رضایه‌لوی > استفاده کند؟ هیچ خادمی نیست که مخدوم خودش را با الفاظ سبک و غیرمعمول خطاب دهد امروزه عرف و ادب حاکم بر روابط انسان ها اجازه نمیدهد که از عناوین خاص افراد مانند آقا، حاجی، مشهدی، ودکتر و امثال آنها استفاده نشود و ممکن است نوعی تحقیر محسوب گردد.

اعلیحضرت مردم را در خطاب قرار دادن آزاد گذاشته اند بهمین دلیل مخالفین، ایشان را رضا پهلوی و شاهزاده و سلطنت طلبان به اعتبار فلسفه تداوم سلطنت و عدم مشروعیت جمهوری اسلامی عنوان قانونی اعلیحضرت رضاشاه دوم را از آن ایشان میدانند باین قاعده معمول جای دبیرخانه کجاست؟

رسم و عادت و فرهنگ ما ایرانیان به نام و احترام بن بسیار اهمیت میدهد سعدی بیتی دارد که شاید چنین باشد:

بزرگش نخوانند اهل خرد که نام بزرگان به زشتی برد

در فرهنگ ما، همه مردم بزرگ هستند هرکس در سطح خود بزرگ و قابل احترام، حداقل در خطاب گرفتن میباشد شاردن در جلد هشتم کتابش نوشته است:

«در دوران شاه عباس دوم یک بازرگان ایرانی در سفر به چین به دربار مغول بزرگ راه رفت امیر مغول ضمن مطالب دیگر از او پرسید از کشور شما چه خبر والی ایران چه میکند؟ بازرگان هیچ جوابی نداد و سر به زیر انداخت. امیر مغول گفت از شما میپرسم عباس والی ایران رئیس کشور شما، آنکه بر شما حکومت میکند چطور است؟ بازرگان همچنان خود را بیخبر نشان داد و گفت نمیدانم مطب چیست بنوعی که امیر مغول ناراحت شد و گفت درباره کسی میگویم که او را شاه عباس می نامید؟ در اینوقت بازرگان گفت < آه، اعلیحضرتا، اکنون متوجه شدم که مقصودتان شاه عباس است شاه در کمال صحت بود که من پایتخت را ترک کردم >»

(صفحه ۱۴۷ همان کتاب)

واما بعد

متأسفانه تکذیب دبیرخانه، فاقد موضوعیت و توجه است.

موضوعیت ندارد، زیرا مطلبی را که کیهان تهران مدعی شده، موضوعی نیست که دبیرخانه به تکذیب آن اقدام کرده است، خبر کیهان تهران داور است بر ارتباط بین اعلیحضرت و سران جنبش سبز در حالیکه تکذیب دبیرخانه معطوف است به مذاکره رضایه‌لوی ! با سران دربند جنبش سبز.

ارتباط، اعم است و شامل هر وسیله و واسطه ای میشود که بتوان بوسیله آن پیام داد پیام گرفت. در حالیکه مذاکره، فعلی است که بین دو نفر بدون واسطه صورت میگیرد بنابراین دبیرخانه موضوعی را تکذیب کرده که با ادعا در یک راستا نبوده است و اگر بخواهیم موقعیت دبیرخانه را در نبرد با دروغ و ادعا پیاده کنیم چنین است که دبیرخانه در این نبرد بسوی هدفی تیراندازی کرده که آن هدف، متعلق به دشمن نبوده است.

فاقد توجه است، زیرا آنچه کیهان تهران مدعی شده ناروایی نیست که از حد اعلیحضرت و یاهرایرانی دیگری خارج باشد ولی مسلماً جمهوری اسلامی و کیهان تهران هر نوع ارتباط و یا مذاکره هرکس را با گروهی و موسوی خارج از حد آن دو نفر میدانند و در نهایت برابر اتهام موسوی و گروهی می افزاید. بنابراین تکذیب دبیرخانه بمنظور رفع اتهام جدید از آقایان گروهی و موسوی بحساب میاید و توجهی به اعلیحضرت ندارد خاصه اینکه اعلیحضرت شهرت عینی و اشتها

جهانی در حمایت از جنبش سبز دارند، و ارتباط با افراد وایادی جنبش که برخی از آنها مانند آقایان واحدی و امیرارجمند خودشان رانمایندگان حضرات میدانند، جزء وابسته و ناچیزی از کل حمایت است و حمایت در آن حدی که اعلیحضرت ارزانی جنبش سبز فرموده و میفرمایند بدون ارتباط ممکن نیست.

توضیح منطقی در بیرخانه

در تکذیب دبیرخانه اشاره ای وجود دارد که منطقی است. مقصود آنجاست که آمده:

«نخستین اصل از وظایف روزنامه نگاری رسیدن به حقیقت درک فضای واقعی و عینی میباشد، منابع و روشهای روزنامه نگاران باید تاحد امکان روشن باشد تا مخاطبان بتوانند علت را ارزیابی کنند»

تذکر دبیرخانه در رابطه با این اصل حقوقی است که منابع خبری از قبیل «بطوریکه اطلاع حاصل شده است» و یا «آنطور که شنیده شده است» و یا «گوینده نخواست نامش گفته شود» و امثال آنها که در نوشته کیهان بکاررفته است نمیتواند اصالت خبر را شکل بدهد و لاجرم خبر میشود بی اعتبار زیرا آنها نه سند هستند و نه شاهد و نه میتوان آنها را منبع شناخت به همین دلیل قانون مطبوعات ناشر آنرا مسئول می شناسد.